علی نظری عضو هیات امنای انجمن پسته ایران در نشست فعالان پسته ایران در مشهد

# ریشه همه مشکلات در نوع نگاه ما است



**به نظر شما سالانه چه مقدار پسته تولید می شود؟**

سالانه حدود ۲۰۰ هزار تن پسته صادر می‌شود. هر کیلو پسته را ۱۰۰ هزار تومان محاسبه کنیم. نتیجه ۲۰ هزار میلیارد تومان پسته قطعاً تولید می‌شود.

تقریباً ۷ الی ۸ هزار میلیارد تومان آن هزینه می شود.

**به نظر شما چه مقدار از این ۷-۸ هزار میلیارد تومان اضافی هزینه می‌شود؟**

از کل این ۷ الی ۸ هزار میلیارد، ۳ الی ٤ هزار میلیارد تومان دور ریخته می‌شود. این دور ریختن شامل خطاهایی است که رخ می‌دهد؛ سم اشتباه، گرمازدگی، سرمازدگی، آبیاری نابجا، تغذیه غلط، کاشت غلط در بسترسازی اشتباه و سمپاشی بی‌اثر و .... می‌توانند ناشی از عدم اطلاع یا عدم تشخیص درست باشند.

**حال سوال این است اگر باغدار اشتباه نمی‌کرد و کار درست انجام می‌شد چه قدر بر حسب هکتار نتیجه حاصل می‌شد؟**

پاسخ به این سوال بر حسب هکتار می‌تواند این چنین باشد؛ حدود ۳۰۰ هزار هکتار از اراضی کشور زیر کشت پسته است. با توجه به اینکه بسیاری از باغداران را می‌شناسم که میانگین ۳ تن در هکتار دارند و آمریکایی‌ها نیز به‌طور متوسط این مقدار برداشت می‌کنند، اگر فرض بگیریم دسترسی به این عملکرد برای ما نیز مقدور باشد، ۳۰۰ هزار هکتار زیر کشت با برداشت ۳ تن، حدود ۹۰۰ هزار تن می‌توانستیم برداشت داشته‌باشیم. درحالی که با وضعیت موجود برداشت نهایی ایران حدود ۲۰۰ هزار تن است.

پاسخ به این سوال بر حسب مقدار مصرف آب می‌تواند این چنین باشد؛ با هر ۱۰ متر مکعب آب در ایران ۱ کیلوگرم پسته خشک تولید می‌شود. (با ۷ هزار متر مکعب آب به طور متوسط در هر هکتار ۷۰۰ کیلو پسته خشک برداشت می‌شود)

محاسبه مصرف آب در پسته آمریکا ونمونه‌های خوب ایران نشان می‌دهد بر اساس مصرف آب تقریباً از هر ۳ متر مکعب ۱ کیلوگرم پسته خشک می‌توان برداشت، ولی در واقع این اتفاق نمی‌افتد و به‌طور عمومی و به‌طور متوسط با ۳ برابر مصرف آب بیشتر (نسبت به میانگین) یک کیلوگرم پسته خشک تولید می‌شود.

یعنی از منظر مصرف آب ما به ازای هر کیلو پسته، ۷ متر مکعب آب بیشتر مصرف می‌کنیم. درست است که برای آب مبلغی نمی‌پردازیم، ولی فرصتی است که از دست می‌دهیم. اگر حتی از هر ۵ متر مکعب یک کیلو پسته تولید می‌کردیم، می‌بایست حداقل ٤۰۰ هزار تن تولید می‌کردیم. بنابراین، ما ٤۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومان از دست می‌دهیم.

از منظر سطح زیر کشت حدود ٦۰ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان به کشور خودمان زیان وارد می کنیم.

**علت این زیان‌ها چیست؟**

کار اصولی باغبانی را انجام نمی‌دهیم.

در دنیا ثابت شده‌است که ژنتیک بذری که می‌کارید تعیین کننده‌است. در درجه اول پایه و پیوند، مطالعه نشده‌است.

سوء مدیریت عمومی وجود دارد.

اگر عملیات سمپاشی به موقع و با سم مناسب نباشد، حشره به سم مقاوم می‌شود، حتی اگر بهترین سم را استفاده کنیم. اگر من باغم را سمپاشی کنم و همسایه من سمپاشی نکند و حشره از باغ مجاور به باغ من مهاجرت کند، کاری که من کرده‌ام بی‌اثر می‌شود و از همه مهم‌تر اینکه تداخل نسل حشرات موجب مقاومت حشره به سم می‌شود.

فعالیت‌هایی کاملاً تخصصی باغبانی، خاکشناسی، حشره‌شناسی، فیزیولوژی تغذیه و ... هیچ شمرده شده و جایگاه کارشناسی و مشاوره و دانشگاه و نظام‌های ترویج و تعاونی‌ها و ... مخلوط شده و نابجا استفاده می‌شود.

همه مسائلی که اشاره شد و ده‌ها مسئله دیگر از این قبیل که هر کدام نقشی را کوچک‌تر و بزرگ‌تر در تشکیل زیان‌های فوق دارند از یک منشا می‌آیند و آن نگاه اشتباه است. نگاهی که تماماً موجه بیرون از خود ما است و نگاهی که دیگران را مسئول این نابسامانی‌ها می‌داند، حکومت‌ها، دولت‌ها، ادارات و افراد دیگر و .... علی‌رغم آنکه کاملاً روشن است و همه اذعان داریم که هیچ یک از نهادهای فوق برای حل مسائل فوق خود به‌خود برای این موضوعات کار جدی انجام نخواهند داد، ولی خودمان هم قدمی جدی بر نمی‌داریم.

اگر فقط ۲ در هزار از فروش پسته‌ای که سالانه می‌فروشیم را برای رفع این معضلات صرف کنیم، کمتر از ۱۵ سال بخش بزرگی از این زیان‌ها به جیب ما برمی‌گردد. ۲ در هزار یعنی هر ۱۰۰ میلیون تومان ۲۰۰ هزار تومان. بعید می‌دانم تجارتی پر سودتر از این تصور کنید. معمولاً در بهترین شرایط ما به قیمت‌های ثابت می‌توانیم ۳۰ درصد از سرمایه‌گذاری که کرده‌ایم برگردانیم، ولی در اینجا سرمایه‌گذاری ۲ در هزار است و برگشت در کمترین مقدار فرض کنیم دو برابر ( توجه کنید اگر خودمان را با آمریکایی‌ها مقایسه کنیم و بخواهیم به نتیجه آنها برسیم، بهره وری ما باید ۵ برابر بهبود یابد، عملکرد ۷۰۰ کیلوگرم در هکتار کشور ما به ۳,۵ تن متوسط آمریکا برسد) که در اینجا فقط ۲ برابر بهبود را فرض کردیم، یعنی سودی معادل هزار برابر سرمایه‌گذاری. شاید باور نکنید، ولی می‌ارزد به آن فکر کنید و اشتباه این محاسبه را مشخص کنید. تأکید می کنم سودی معادل هزار برابر سرمایه گذاری .

مهم است که متعهد شویم این مبلغ را صرف تحقیق ترویج و یا هر فعالیت دیگری که در رفع این معضلات صلاح می‌دانیم هزینه کنیم.

به‌عنوان مثال، این عدد در صنعت پسته آمریکا ۱۰ برابر بیشتر است و اجباری است. ( ۲ درصد فروش اجباری است)

اگر خود را متعهد کنیم از هر ۱۰۰ میلیون تومان، ۲۰۰ هزار تومان برای تحقیقات در باغ خود، ترویج و همفکری وقت بگذاریم و هزینه کنیم، مطمئن باشید کمتر از ۱۵ سال، یعنی به اندازه عمر اقتصادی شدن یک درخت به نتیجه می‌رسیم.

می‌گویید ۱۵ ، ۲۰ سال زیاد است که بخواهیم نتیجه بگیریم، درحالی که برای باردهی اقتصادی درختان‌تان شما ۱۵ سال صبر می‌کنید.

پیشرفت یک صنعت به تنهایی امکان پذیر نیست. هیچ کدام از ما تنهایی در یک صنعت رشد نخواهیم کرد. هر چه قدر من در باغم عالی عمل کنم باز هم به تنهایی کاری از پیش نمی‌برم. کار دسته جمعی است که هم افزایی دارد.

تعداد مسایل مبتلا به صنعت پسته که ضرورت دارد مورد بررسی جدی اعم از مطالعه، تحقیق، تبیین برای تدوین دستورالعمل و ... آنقدر زیاد و انبوه است که از عهده یک سازمان یا نهاد یا یک فرد بر نمی‌آید ، نیاز است که تعداد قابل توجهی از علاقمندان به این صنعت به آن اهتمام کنند .

هر چه تعداد بیشتری از ما در این موضوع وقت و هزینه صرف کنیم، به‌دلیل هم افزایی که بین ما و در درون صنعت ایجاد می‌شود، سرعت پیشرفت افزایش می‌یابد. نقش انجمن‌های شبیه انجمن پسته ایران در این رابطه بسیار تعیین کننده و بی‌بدیل است.